هفته نامه رحمت خبری

هفته‌نامه خبری رحمت

از تاریخ ۱۷ تا ۲۴ فروردین/ ۲۲ الی ۲۷ رجب

شماره ۳۵



بمباران شیمیایی شهر دوما توسط ایران، روسیه و رژیم اسد

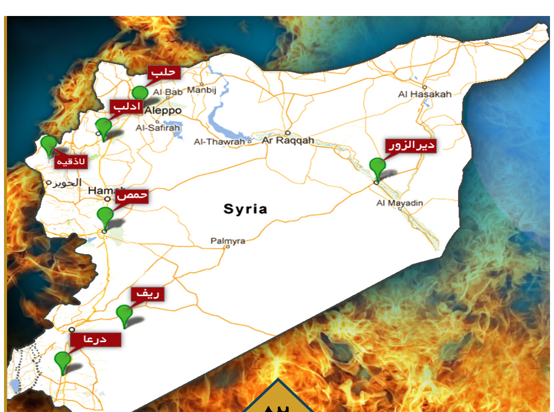
آزمایشگاهی به بزرگی امت



کشورهای اشغالگر وقتی سلاحی را برای معرفی و فروش به مشتری عرضه می‌کنند می‌گویند " آزمایش شده در میدان جنگ ". هیتلر بسیاری از آزمایشات نظامی و شیمیایی خود را در آزمایشگاه‌های سری خود بر قربانیان و اسیران جنگی انجام می‌داد تا به میزان اثر بخشی و نحوه ی عملکرد آن پی ببرد ولی گویی امروز نیازی به مخفی کاری و ترس نیست و این آزمایشات در علن و بر سر قربانیان بی‌دفاعی چون زنان و کودکان انجام می‌شود و شدیدترین واکنشی که شاید در مقابل آن روی دهد چند پیام اینترنتی و بیانیه باشد. وقاحت به درجه‌ای رسیده است که سخنگوی ارتش اشغالگر روسیه اعلام می‌کند که جنگ سوریه فرصت خوبی ....


۱


۲



۳

وكالة إباء الإخبارية

215 حمله رژیم جنایتکار اسد به وسیله سلاح شیمیایی و گازهای سمی

(آمار توسط شبکه حقوق بشر)

توزیع 215 هجوم



- 3 دی ماه 1391 — اولین سلاح شیمیایی به کار گرفته شده
- 33 حمله
- 7 مهر ماه 1392 — بیانیه شورای امنیت شماره 2118
- 181 حمله
- 16 اسفند ماه 1394 — بیانیه شورای امنیت شماره 2209
- 112 حمله
- 17 مرداد ماه 1394 — بیانیه شورای امنیت شماره 2235
- 56 حمله
- 16 فروردین ماه 1396 — حمله شیمیایی خان شیخون
- 11 حمله
- 28 آبان ماه 1396 — وتو کردن روسیه برای تحقیق بیشتر
- 5 حمله
- 19 فروردین ماه 1397 — حمله شیمیایی شهر دوما

نتیجه حملات

- +1600 شهید که شامل 244 زن، 187 کودک
- +7900 تن مجروح

آزمایشگاهی به بزرگی امت



کشورهای اشغالگر وقتی سلاحی را برای معرفی و فروش به مشتری عرضه می‌کنند می‌گویند " آزمایش شده در میدان جنگ " هیتلر بسیاری از آزمایشات نظامی و شیمیایی خود را در آزمایشگاه‌های سری خود بر قربانیان و اسیران جنگی انجام می داد تا به میزان اثر بخشی و نحوه ی عملکرد آن پی ببرد ولی گویی امروز نیازی به مخفی کاری و ترس نیست و این آزمایشات در علن و بر سر قربانیان بی‌دفاعی چون زنان و کودکان انجام می‌شود و شدیدترین واکنشی که شاید در مقابل آن روی دهد چند پیام اینترنتی و بیانیه باشد.

وقاحت به درجه‌ای رسیده است که سخنگوی ارتش اشغالگر روسیه اعلام می‌کند که جنگ سوریه فرصت خوبی برای آزمایش سلاح‌های ما فراهم آورده است و از سوی دیگر آمریکا بزرگترین بمب خود بعد از بمب های اتمی که مادر بمب‌ها خوانده می‌شد را در افغانستان بر سر مسلمین آزمایش می کند گویی که ما آنقدر ذلیل و خوار گشته ایم که ما را نمونه‌های آزمایشگاهی خود می پندارند و این امر نتیجه ی طبیعی ترک جهادی است که رمز عزت و سربلندی هر ملتی در آن قرار داده شده است و از روزی که شیران بیشه خفتند کفتارها چنین درنده و شجاع شده‌اند ولی بشارت که سو سوی طلوع فجرمان تاریکی شب را شکافته و همچون لشکری سواره در صبح بیداری به سویمان می‌تازد.

اخبار این روزها جنایت جدیدی بر صفحات ننگین تاریخ حملات صلیبی و مزدورانش نوشت وقتی دوما در غوطه ی شرقی را با بمب‌های شیمیایی سارین هدف قرار دادند از بی‌رحمی و جرأتشان در کشتار زنان و کودکان به این شکل وحشتناک چندین مطلب به ذهن خطور می‌کند که باید به آن توجه کرد اول اینکه ابعاد جنگ و درگیری در گوشه کنار امت به سیطره بر چند وجب خاک خلاصه نمی‌شود بلکه آنها موجودیت تاریخی امت را هدف قرار گرفته‌اند و این امر بهانه‌ای برای برانگیختن احساسات و عواطف نیست بلکه واقعیتی است که هر فرد آگاه با نگاهی گذرا بر پهنای امت اسلامی و حوادثش به وجود هماهنگی بین نیروهای دشمن در نسل کشی و کوچاندن مسلمین از وطنشان پی می‌برد کافیست به صحرای سینا و فلسطین سپس به شام و عراق، به اهواز و بلوچستان، به میانمار و سریلانکا و ترکستان شرقی و سایر بلاد اسلام بنگرد چه تحلیلی از این جنایت‌ها می‌تواند داشته باشد و چه پاسخی به وجدان خود می‌تواند دهد؟!.

دومین مساله‌ای که می‌توان با تجربه ی تاریخی به آن پی برد این است که بشار اسد و اطرافیانش از درجه داران و سیاسی‌های مرتبط با ایران نقشی در آینده ی سوریه نخواهند داشت از این روی روسیه سعی دارد با استفاده از این مهره‌های سوخته بیشترین جنایت ممکن را انجام دهد تا با سرعت بیشتری جنگ را پایان دهد تا بعد از پایان جنگ با برکناری بشار اسد صفحه ی جدیدی در تاریخ سیاسی سوریه بگشاید که به نظر نا ممکن می‌رسد چرا که حتی اگر رژیم بشار تغییر کرده و شخص دیگری بر قدرت بنشیند صفت اشغالگری از روسیه را نفی نخواهد کرد وانتظار می‌رود که جنگ های نامنظم و عملیات‌های فردی علیه نیروهایش شدت بگیرد.

تمام این حوادث و جنایت‌ها درسی در پستوی خود برای ما حمل می‌کنند و سعی دارند که به ما و جوانان امت بفهمانند که تنها راه نجات و خروج از این وادی سرگردانی و ذلت بازگشت به جهاد و احیای روحیه ی جهادی به هر وسیله ی شرعی ممکن می‌باشد.

باید گامی عملی در این راستا برداشت و به انکار و غم خوردن اکتفا نکرد تا کی بمب هایشان را بر سر مادر و فرزندانمان آزمایش کنند. اینجاست که به قدر والای مجاهدان پی می‌بریم که از لوله ی تفنگشان انکار و خشم حقیقی برای امتشان خارج می‌شود.

بمباران شیمیایی شهر دوما توسط ایران، روسیه و رژیم اسد

رحمت - سوریه

رژیم جنایتکار اسد بار دیگر مرتکب جنایت جنگی شد و شهر دوما در حومه دمشق را با بشکه‌های حاوی گاز شیمیایی بمباران کرد. اورینت تلویزیون اپوزیسیون سوریه شمار قربانیان را تا ۱۸۰ نفر و ۱۰۰۰ مجروح و مصدوم ذکر کرده است.

سی.ان.ان به‌نقل از فعالان سوری گزارش داد: گاز سمی در داخل بمبهای بشکه‌یی که از هلیکوپترها پرتاب شده اند باعث خفگی بسیاری از مردم شده است. گزارش‌ها حاکی است تعداد زیادی از کشته شدگان کودکان هستند.

همچنین بنا به اعلام نیروهای دفاع مدنی سوریه در شبکه‌های اجتماعی، رژیم اسد و حامیان آن شهرستان دوما در غوطه شرقی که آخرین نقطه تحت کنترل مخالفان این رژیم در این منطقه به شمار می‌رود، را هدف حمله شیمیایی با گاز سمی قرار دادند.

سراج محمود، سخنگوی نیروهای دفاع مدنی سوریه در حومه دمشق به گفت: در اثر این حمله شیمیایی نیروهای رژیم ۱۸۰ غیرنظامی جان خود را از دست داده و صدها تن دیگر نیز تحت تاثیر این گاز سمی به بیمارستان شهرستان دوما انتقال یافتند.

همچنین بنا به اعلام نیروهای دفاع مدنی سوریه در شبکه‌های اجتماعی، رژیم اسد و حامیان آن شهرستان دوما در غوطه شرقی که آخرین نقطه تحت کنترل مخالفان این رژیم در این منطقه به شمار می‌رود، را هدف حمله شیمیایی با گاز سمی قرار دادند.

سراج محمود، سخنگوی نیروهای دفاع مدنی سوریه در حومه دمشق به گفت: در اثر این حمله شیمیایی نیروهای رژیم ۱۸۰ غیرنظامی جان خود را از دست داده و صدها تن دیگر نیز تحت تاثیر این گاز سمی به بیمارستان شهرستان دوما انتقال یافتند.

از سوی دیگر، شبکه حقوق بشر سوریه (SNHR) در پانزدهم فروردین سال جاری با انتشار گزارشی اعلام کرد که رژیم بشار اسد از آغاز جنگ داخلی در سوریه تاکنون ۲۱۴ بار، پس از قتلعام خان‌شیخون در چهاردهم ۱۳۹۶ نیز ۱۱ بار حمله شیمیایی انجام داده است.

گفتنی است در شهرستان دوما که وسعتی حدود ۷ کیلومتر مربع دارد، ۱۰۰ هزار نفر در محاصره به سرمی برند.

نیروهای دفاع مدنی سوریه، دیروز اعلام کرده بودند که نیروهای رژیم اسد و روسیه به عنوان حامی این رژیم، روند تخلیه غیرنظامیان از شهرستان دوما واقع در غوطه شرقی که تحت محاصره رژیم اسد قرار دارد را متوقف و در اثر حملات هوایی مجدد رژیم اسد و روسیه ۲۵ غیرنظامی کشته شدند.

تاریخچه رژیم اسد در استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه مردم خود جای تردید نمی گذارد و حمله با گاز سارین در غوطه شرقی در سال ۱۳۹۱ شروع شد که بیش از ۱۰۰۰ نفر از مردم سوریه را کشت.

بازیگران اصلی و مهره‌های چیده شده برای جانشینی مجتبی خامنه‌ای

پسر علی خامنه‌ای به عنوان رهبر حکومت ولایت فقیه شیعی

رحمت - ایران

به قول نظامی گنجوی شاعر ایرانی قرن دوازدهم میلادی: سرشت طفلِ بد را دایه داند، بدِ همسایه را همسایه داند.

این حکایت رسانه‌های ترکیه‌ای، همسایه و دیوار به دیوار ایران است که به ویژه در افشای بخشی از پشت پرده‌های اقتصادی و سیاسی دانه‌درشت‌های ایران سهم بسزایی دارند. دور زدن تحریم‌ها و پولشویی با کمک دلال‌های بین‌المللی مثل رضا ضراب و بابک زنجانی، انتقال ۱۸ تن طلا به ترکیه و همین اواخر افشاگری در مورد سفر خانواده‌ی علی خامنه‌ای به ترکیه در جریان اعتراضات دی‌ماه ۹۶ تنها بخشی از اخبار و گزارش‌هایی است که تنور آن اول در رسانه‌های ترکیه داغ شد.

بخش انگلیسی خبرگزاری دولتی آناتولی ترکیه اواخر سال ۹۶ در گزارشی به بررسی سناریوهای مختلف جانشینی پس از مرگ علی خامنه‌ای رهبر ایران و ولی فقیه شیعی در ایران پرداخته که پازل صادق آملی لاریجانی رییس قوه قضاییه، محمود احمدی‌نژاد رییس دولت نهم و دهم و مجتبی خامنه‌ای فرزند رهبر ایران بازیگران اصلی آن هستند. این خبرگزاری احمدی‌نژاد را «جعبه سیاه» انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ خوانده و نوشته او مدت هاست با نامه‌نگاری‌ها و سخنان تند خود علیه دستگاه قضایی و امنیتی ایران در حال احیای خود در صحنه‌ی سیاسی ایران است و به شدت علیه آملی لاریجانی رییس قوه قضاییه موضع گرفته است. آناتولی با اشاره به وضعیت سلامت خامنه‌ای بحث تعیین جانشین برای او را پیش کشیده و پرسیده «چرا و تا کجا خامنه ای، رفتارهای محمود احمدی‌نژاد را تحمل می کند؟» و همچنین چه ارتباطی ممکن است بین تحمل احمدی‌نژاد توسط خامنه‌ای و برنامه ریزی برای انتصاب «مجتبی» به عنوان جانشین وی باشد، پرسشی است که پاسخ آن بستر «عملی‌ترین سناریو یعنی جانشینی مجتبی خامنه‌ای» را فراهم می‌کند. این خبرگزاری می نویسد، هر پدری می‌خواهد فرزندش ادامه دهنده‌ی راه او باشد و هر فرزندی توقع دارد که ادامه‌دهنده راه پدرش باشد. خمینی و پسرش احمد از این قاعده مستثنی نبودند به همین دلیل بود که خمین آخوند منتظری را از سر راه برداشت که راه پسرش را باز کند اما مرگ زودهنگام احمد باعث شد که مسیر او ناتمام باقی بماند. مرگ مشکوک احمد در سال ۱۹۹۵ حدودا پنج سال پیش از مرگ پدرش دلیل خوبی است برای اینکه خامنه‌ای، مجتبی را پیشاپیش به عنوان رهبر بعدی تعیین کند.

بعد از مرگ خامنه‌ای، مجتبی هرگز عزیزتر از احمد خمینی نخواهد بود. بسیاری از انقلابیون شیعی پیشین دست‌کم به احمد خمینی از نظر احساسی وابستگی، حتی کم، داشتند که به خاطر پدرش بود. اما امروز آنها چنین وابستگی را به مجتبی خامنه‌ای ندارند.

به طور معمول یک «رهبر» یکی از پسران و دختران خود را برای جانشینی انتخاب می‌کند و در طول زندگی برای آنها تبلیغ می‌کند تا این موضوع جا بیفتد. اما گاهی اوقات او را پشت سر خود به عنوان جانشین آینده نگه می‌دارد، مانند محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی. یکی از روش‌های بسیار محبوب در بین ایرانی‌ها در معامله عمل به این توصیه است: «هندوانه‌ها را تک تک عرضه کنید تا آنها را راحت‌تر بفروشید»، به نظر می‌رسد خامنه‌ای نیز این روش را دنبال می‌کند. رهبر ایران موضع رسمی در باره‌ی مجتبی نمی‌گیرد و او هم به ندرت در بین عموم مردم ظاهر می‌شود و حتی تصاویر زیادی در انظار از او در دست نیست.

در این میان، موضوع جانشینی خامنه‌ای برای احمدی‌نژاد، موضوع زندگی و مرگ است. او می‌داند که اگر لاریجانی رهبر آینده شود، کارش تمام است. اگر اختیار امور به تنهایی دست لاریجانی بود او تا کنون در حذف احمدی‌نژاد تردید نمی‌کرد. حتی شایعاتی وجود دارد که لاریجانی احمدی‌نژاد را احضار کرده و گزارش آن به خامنه‌ای نیز رسیده است.

آناتولی در پایان گزارش تحلیلی خود نوشته، شکی نیست که سیاست صحنه‌ی امور غیرقابل پیش‌بینی است ولی هیچ احتمالی را نمی‌شود دست‌کم گرفت. یک سری از اتفاقاتی افتاده که بر اساس آنها گفته می‌شود محمود احمدی‌نژاد به نوعی از سوی خامنه‌ای به این دلیل حمایت می‌شود که چون او خیلی کمتر از لاریجانی سودای رهبری در سر دارد و دستش در تعیین جانشین چندان باز نیست. بنا بر این خامنه‌ای رفتارهای احمدی‌نژاد را تحمل کرده و سعی می کند از آن به سود خود و پسرش استفاده کند تا مانعی به نام صادق‌لاریجانی از سر راه مجتبی و رهبر شدن او برداشته شود.

گزارش آناتولی ۱۴ اسفند سال ۱۳۹۶ منتشر شد و تقریبا همزمان با دورانی که حمید بقایی، اسفندیار رحیم مشایی و محمود احمدی‌نژاد فتیله‌ی ادعای «دخالت انگلیس در امور سیاسی» ایران را بالا کشیدند و پس از آن مشایی حکم دادگاه بقایی را مقابل سفارت انگلیس در تهران آتش زد و احمدی‌نژاد در چند سخنرانی و نامه و بیانیه دوباره آدرس انگلیس را داد و حمید بقایی از طریق همسرش در نخستین روزهای اعتصاب غذا پیام فرستاد و وصیت کرد که در کنار مبارزان علیه استعمار انگلیس دفن شود. وی در پیام‌اش روی اسم مارگارت تاچر نیز تاکید کرد. همه‌ی این انتقادات ضدانگلیسی یک سرش قوه قضاییه و لاریجانی‌هاست و سر دیگرش علی خامنه‌ای و «بیت رهبری».



همزمان خبرهای غیررسمی منتشر شد مبنی بر سفر مجتبی خامنه‌ای به لندن برای درمان «بیماری زنانه» همسرش که سکوت رسانه‌های حکومتی را در پی داشت اما به تدریج شایعه شد که او با افسران اطلاعاتی بریتانیا هم دیدار کرده است. آنچه دست‌کم از کل ماجرا و مواضع احمدی‌نژادی‌ها پیداست این است که ظاهرا بر اساس شواهد بو برده‌اند که خامنه‌ای چه برنامه‌هایی برای آینده دارد. متن نامه‌ی اخیر ۳۰۰ حزب‌اللاتی که در آن خامنه‌ای و دستگاه‌های امنیتی نظام به باد انتقاد گرفته شده می‌تواند یکی از دلایل این ادعا باشد.

در این نامه به خامنه‌ای تاکید شده مسئولیت همه رویدادها به گردن اوست و در سال ۱۳۹۷ که سال سرنوشت‌ساز انقلاب ۴۰ ساله است دو راه در پیش دارد یا «کشور رسماً به ملکِ طلقِ حلقه‌های بسته و عده‌ای معدود تبدیل گردد» و یا «با اصلاحات اساسی از خطر فروپاشی جلوگیری شود» که «راه تسلطِ مستکبرین خارجی و داخلی» بر کشور را هموار می‌کند.

به سال ۱۳۸۸ برگردیم؛ پس از بالاگرفتن اعتراض ها به نتایج انتخابات ریاست جمهوری، یک وکیل تُرک افشا کرد که هفت اکتبر ۲۰۰۸ هفت و نیم میلیارد دلار پول نقد و بین ۱۸ تا ۲۰ تن شمش طلا به ترکیه وارد شده که بلافاصله در ایران انگشت اتهام به سوی مجتبی خامنه‌ای نشانه رفت تا جایی که ۲۱ دی‌ماه سال ۱۳۹۱ غلامعلی حداد عادل (پدر همسر مجتبی) مجبور شد در این‌باره صحبت کرده و اعلام کند که مجتبی خامنه‌ای طلاها را جابجا نکرده است. وی به ماجراهای دیگری هم پرداخت و از جمله گفت فرزند مجتبی (نوه حداد عادل) در بریتانیا به دنیا نیامده است. در همان دوران بود که تصویر حداد عادل و خرید کردن او از یک فروشگاه در لندن منتشر شد که حکایت از رفت و آمدهای او و خانواده‌اش به لندن داشت. بعد از حدود یک هفته پس از آنکه علی خامنه‌ای سال ۱۳۹۷ را با شعار استفاده از کالای ایرانی نام‌گذاری کرد، بی بی سی سرویس اندونزی همین عکس حداد عادل را منتشر کرده و نوشته که وی پدر همسر مجتبی خامنه ای است. پایگاه خبری دیلی استار هم بحث جایگزینی یک رییس جمهور نظامی را پیش کشیده و دست روی مجتبی خامنه‌ای گذاشته است. بابک تقوایی کارشناس نظامی به دیلی استار گفته در ایران سپاه به دنبال آن است که مجتبی خامنه‌ای را به رهبری برساند و اگر چنین شود ایران جا پای کره شمالی خواهد گذاشت.

احمدی‌نژادی‌ها و سفرهای مجتبی خامنه‌ای به لندن: تیم احمدی‌نژاد سال‌هاست که روی روابط مجتبی خامنه‌ای با انگلیسی‌ها دست گذاشته است.

در سال ۱۳۸۷ وبسایت‌های نزدیک به احمدی نژاد مصاحبه‌ای قدیمی از گفتگوی فهیمه دُرّی همسر سعید امامی با مرکز اسناد انقلاب را منتشر کردند که در آن از روابط نزدیک امامی با «بیت» خامنه‌ای صحبت شده و فهمیه دری می‌گوید، همسرش در اواخر سال ۶۹ خانواده خامنه‌ای را برای کاری برده بود لندن و دو ماه تمام با این خانواده زندگی می‌کرد. اینکه بعد از هر اعتراض گسترده‌ای در ایران بحث «رهبری» مجتبی خامنه‌ای تقویت می‌شود تازگی ندارد. در جریان اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ نیز این بحث مطرح و چنان جدی شد که معترضان در خیابان شعار می دادند: «مجتبی بمیری رهبری رو نبینی»: اگر فرضیه‌ی خبرگزاری آناتولی درست باشد، علی خامنه‌ای در به کار بردن احمدی‌نژاد برای عقب زدن صادق آملی لاریجانی موفق بوده چون بحث فساد در قوه قضاییه کار را به آنجا رسانده که حتی شایعه برکناری لاریجانی مطرح شده است. خامنه‌ای هم در یکی از سخنرانی های خود به صراحت گفت که در بحث اجرای عدالت عقب‌افتادگی داریم. به این ترتیب، چه بسا حالا نوبت حذف احمدی‌نژاد رسیده باشد که او برای فرار از سرنوشتی که گمان می‌کند در انتظارش است، به تکاپو افتاده و آن را به انگلیسی‌ها و نقش آنها در تعیین سیاست‌های ایران نسبت می‌دهد.

سوق طرفین درگیر برای نبـــرد در امتداد رود فـــرات

رحمت - سوریه

با توجه به سرعت فزاینده تحولات منطقه و آنچه در صحنه میدان عمل در امتداد و اطراف رود فرات در جریان است، حکایت از رویدادی‌های شگفتی است که به سمت یک کارزار بزرگ، در جهت دستیابی به منافع و یا بقای طرفین متخاصم در حرکت می‌باشد. اما آنچه از واقعیت میدان تخاصم در امتداد و اطراف رود فرات در مرز سوریه و عراق در جریان می‌باشد، به طور خلاصه بدین شرح است:

ترکیه: با توجه به اظهارات مقامات ترکیه، ارتش این کشور در تلاشی گسترده و با همکاری روس و آمریکا در حال حمله به گروه کوردهای ملحد پ.ک.ک است تا آنان را از مرزهای خود دور کرده و بر شمال سوریه و عراق مسلط گردد، حتی اگر این سلطه به صورت سیاسی در اختیار ارتش آزاد سوریه قرار گیرد بدین منظور ارتش ترکیه بعد از پیروزی در جبهه عفرین، برای حمله به شهر منبج خود را آماده می‌کند. از سوی دیگر زمزمه‌هایی از به چالش کشیدن معاهده سایس‌پیکو و لوزان از طرف مقامات ترک به گوش می‌رسد. اردوغان که این روزها با روسیه کمونیست و سایر طواغیت بر ضد اهل اسلام اتحاد و همکاری همه جانبه دارد در جدیدترین موضع گیری و در راستای توجیه مداخله نظامی ترکیه در عراق و سوریه مدعی شد مرزهای جغرافیایی این کشور با مرزهای قبلی آن متفاوت است و ترکیه در تمامی سرزمین‌های امپراتوری عثمانی از حق تاریخی برخوردار است. سوریه وعراق و کشوهای عربی که تا صد سال گذشته بخشی از امپراطوری عثمانی بوده و متعاقبا بر اساس قراداد ننگین سایکس‌پیکو تجزیه گردید، از حافظه تاریخی ترک‌ها بیرون نرفته و احساس مالکیت بر آن کشورها می‌کنند.

ارتش آزاد سوریه: ارتش آزاد سوریه با همکاری ارتش ترکیه در پی ضربه زدن به گروه ملحد پ.ک.ک برای عقب راندن این گروه و تثبیت موقعیت خود در راستای اهداف ترکیه در شمال سوریه و عراق در حال تجدید قوا و حرکت به سمت شهر منبج در غرب رود فرات می باشد. این گروه که متشکل از فصائل و انقلابیون و ارتش آزاد سوریه می باشند با ترکیه روابط مستحکم داشته و طبق برنامه ها و اهداف ترکیه در منطقه عمل می نمایند. به نظر می رسد با توجه به اظهارات و فشار طرفین تخاصم یعنی روسیه - ایران و ترکیه در حفظ تمامیت ارضی سوریه، ارتش آزاد سوریه به دنبال فدرالی کردن منطقه تحت سلطه خودش، هیچ مانعی حتی توافق با نظام اسد که در ابتدا برای از بین بردن آن تشکیل شده بر سر راه ندارد.

گروه کوردهای ملحد پ.ک.ک: از شمال، نزدیک مرز ترکیه و شرق سوریه و امتداد رود فرات و تا مرز عراق تحت سیطره گروه کمونیستی کوردهای ملحد پ.ک.ک می باشد. این گروه از سوی آمریکا با ارسال سلاح و مستشار نظامی حمایت می‌گردد.

یگان‌های خلق کورد که از مهمترین طرفین تخاصم در این میدان هستند حالا با شکست کامل در جبهه عفرین به مانند مار زخم خورده آماده نبرد با ارتش ترکیه و ارتش آزاد سوریه در شهر منبج می‌گردند این در حالی است که در سال‌های اخیر از طرف آمریکا و روسیه مورد بازیچه قرار گرفته و حالا بعد از رسیدن به اهداف آنان در جنگ با تنظیم دوله، دول غربی دیگر علاقه‌ای به حمایت از آنان ندارند. لذا به نظر می‌رسد در صورت عقب‌نشینی پ.ک.ک از تمام حدود مرزی ترکیه در سوریه و عراق، تقاضای آنان برای تشکیل منطقه‌ای فدرالی جدی گرفته شود.

تنظیم دوله : تمام مناطقی که تحت سیطره طرفین در امتداد رود فرات قرار گرفته است چندی پیش در اختیار این گروه بوده و این گروه حتی تا نزدیکی دمشق پیشروی کرده بود اما بر اثر سیاست‌های نادرست نظیر حمله به مجاهدان اهل شام و تهاجم هم زمان با همه گروه ها و دولت ها، این جماعت متحمل شکست‌های پی در پی در عراق و سوریه گردید و هم‌اکنون دوران سخت و سنگینی را پشت سر می‌گذارد، در حالی که در امتداد جنوبی دو طرف رود فرات نزدیک مرز عراق در این نزاع فراگیر برای بقای خود آخرین رمق‌هایش را می‌زند.

نظام اسد : به سبب بمباران بی‌وقفه جنگنده های سوری و روسی در مناطق مختلف سوریه از جمله غوطه شرقی دمشق، اسد این روزها بر ویرانه های سوریه دور افتخار می‌زند. درحالی که نظام اسد به کمک و همکاری روافض ایران- حزب اللات و روسیه صحنه میدان سوریه را از زیر به رو آورده است تا بلکه این روزهای خوش نظام اسد کمی بیشتر استمرار یابد در این حال ارتش آزاد سوریه و تنظیم دوله از دشمنان نظام اسد هستند در حالی که پ.ک.ک - روافض- روس و آمریکا هر کدام سهم خودشان را مطالبه خواهند کرد که این امر نشانه کارزار مشکل نظام اسد در این تجمع لشگرها در امتداد رود فرات می‌باشد.

روافض ایران : روافض که در طول تاریخ همیشه خنجری بر پشت اهل اسلام بودند این روزها از هرگونه خیانت به اهل اسلام دریغ نمی‌کنند جنگ نیابتی روافض با اهل سنت در منطقه در زیر پوشش نظام اسد و حشد شعبی این خلق شر را درگیر جنگی باتلاق مانند نموده که نمی تواند به آسانی از آن خارج گردد. روافض از سمت غرب رود فرات به همراهی نظام اسد و در جنوب سوریه از طرف ارتش عراق و حشد شعبی خود را برای این نبرد بزرگ آماده می‌کنند.

ارتش عراق و حشد شعبی: با توجه به اظهارات اخیر نخست وزیر عراق مبنی بر پیدا نمودن راه حلی برای نبرد با تروریسم، ارتش عراق و شبه نظامیان حشد شعبی تحت امر روافض ایران، قصد دارند در روزهای آینده به سمت جنوب مرز سوریه و درگیری با تنظیم دوله و یا فشار بر گروه کوردهای ملحد پ.ک.ک حمله‌ای را آغاز کنند تا اهداف روافض در تسلط بیشتر بر سوریه محقق گردد.

روسیه: روسیه هیچ مشکلی با بمباران وحشیانه و بی‌هدف مناطق مختلف سوریه و کشتار غیرنظامیان ندارد، لذا برای روسیه، نظام اسد و بقیه طرفین درگیر اهمیت چندانی ندارد. روس‌ها منافعی در سوریه دارند که حفظ آن برایشان بسیار حائز اهمیت است.

سه بندر لاذقیه، طرطوس و بانیاس پایگاه های روسیه هستند که در منطقه علوی نشین سوریه و در کنار دریای مدیترانه قرار دارند که به قیمت تجزیه سوریه هم که باشد آن‌ها را نگه خواهد داشت.

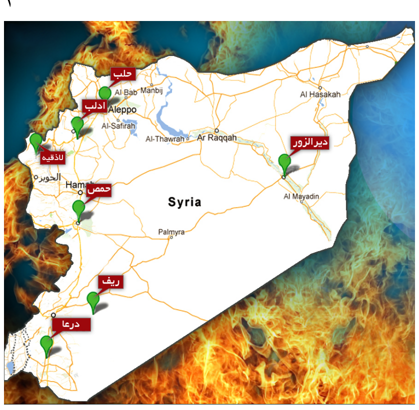
تحالف به سرکردگی آمریکا: نیروهای تحالف به سرکردگی آمریکا فرمانده صلیبیون یهود و نصاری از جمله طرفین همیشه حاضر تخاصم در منطقه می‌باشند لذا بعد از عقب نشینی و تجربه عراق در پی آن هستند که با نیروی نظامی کمتر وارد جنگ‌های منطقه ای گردند و از پیاده نظام های اجیر شده مانند پ.ک.ک استفاده کنند اگر چه مقامات امریکا حضور در سوریه را فقط مبارزه با تنظیم دوله اعلام کرده اند اما به نظر می‌رسد هدف این مار افعی چندسر، موازنه قدرت بین طرفین است تا بتواند به ابقای هر دولت یا گروهی که بیشتر منافع آمریکا را تامین می‌کند، کمک نماید از این رو به غیر از تنظیم دوله با تمام طرفین درگیر رابطه داشته و برخی را بمانند عروسک‌های خیمه شب بازی در دست دارد.

کوتاه سخن اینکه، از برآیند آنچه در امتداد رود فرات در حال وقوع می باشد این است که نبرد به سمت درگیری فزاینده در حال پیشروی است و طرفین برای رسیدن به منافع خودهیچ پیمان و عهدی را نگه نمی دارند و در خیانت و تبانی بر یکدیگر سبقت می‌گیرند.

طرفین متخاصم که در چند سال اخیر برای ویرانی شهرها و روستاهای عراق و شام و به خاک و خون کشیدن اهل اسلام از هیچ عمل شنیعی کوتاهی نمی‌کردند اینک خواسته یا ناخواسته به سمت جنگ و نزاع برای حذف یکدیگر به نفع اهل اسلام سوق پیدا می کنند.

اگر چه در مفاهیم و آموزه‌های اسلام از نشانه‌های نزدیکی قیامت، جنگ و خون ریزی فراوان و نیز بیرون آمدن کوه طلا از رود فرات آمده است اما در حقیقت نمی دانیم در آینده چه رویدادی پیش خواهد آمد و کدامیک از طرفین تخاصم حذف و کدامیک پیروز این نبرد بزرگ خواهند بود.

الله اعلم



قیام مردمی اهواز و هوشیاری

رحمت - ایران

کثرت حوادث ایام به ما آموخت که از هر رویداد موافق با خواستمان شتاب زده نشده و آن را از مکر و توطئه ی دشمنان و بد خواهان در امان نبینیم قیام مردم ایران به طور عموم و قیام مردم اهواز ستمدیده نیز به طور خصوص از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. اگر بخواهیم به استقرای حوادث و رویدادهایی که نظام ولایت فقیه در آن نقش مستقیم و یا غیر مستقیم داشته بپردازیم پی خواهیم برد که این رژیم بر اساس یک برنامه ی مشخص شده حرکت می‌کند و ساده لوحی محض در اینجای داستان است که بعضی خط حرکتی ولایت فقیه را با اشغالگران صلیبی جدا می‌بینند و یا حتی آن را در تقابل می‌بینند از این رو چشم به دست غرب دوخته‌اند تا برای نجاتشان از جور رژیم قدمی بردارد و وقتی از اینترنت ماهواره‌ای و پرسرعت برای حمایت از قیام مردم ایران سخن به میان آمد شکلی طنز گونه به خود گرفت چرا که چطور ممکن است غرب برای سرنگونی بهترین مهره ی خود در منطقه به این سادگی اقدامی بکند و این رؤیایی است که صاحبش هرگز از آن برنخواسته است و هرگز تعبیر نخواهد شد مگر وقتی که غرب در میان کار انجام شده‌ای قرار گیرد مانند آنچه که در بهار عربی رخ داد به صورتی که بعد از اینکه به سقوط دیکتاتورهای دست نشانده ی خود یقین کرد مجبور به نفاق شده و آنها را کنار گذاشت تا با برگ جدیدی بازی را از سر شروع کند و مردمی که از قید دیکتاتوری‌ها آزاد شده بودند را دوباره سر مربع اول برگرداند.

پس وقتی می‌بینیم که غرب با قیام‌های مردمی همراهی می‌کند یا آن را به زعم دفاع از آزادی‌های مدنی حمایت می‌کند نباید با حافظه‌ای ماهی وار با قضیه برخورد کرد بلکه باید پرونده ی سیاه غرب را روی میز نگه داشت و همیشه بررسی کرد مگر همین انگلیس سبب بدبختی مردم احواز نیست چطور ممکن است روباه دیروز شیر امروز باشد. اما خطر بزرگتری که در کمین قیام مردمی احواز می‌باشد و می‌توان آن را بزرگترین تحدی و مشکل پیش روی جامعه ی نخبگان آن اقلیم دانست خطر تغییر دموگرافی جمعیتی اهواز می‌باشد.



با وجود اینکه رژیم در طول سی و چند سال ستم خود به هر ترتیبی سعی در تغییر بافت جمعیتی آن سرزمین داشته است ولی گویا نظام ولایت فقیه در محقق کردن این پروژه به شدت عجله دارد تا با ایجاد یک بحران خلاق یک خیزش مردمی که برخواسته از مطالبات به حق می‌باشد اقلیم احواز را به دایره ی آشوب بکشاند تا بتواند بهانه ی کافی برای کوچاندن مردم از سرزمین مادریشان را بیابد همان کاری که سپاه قدس در بغداد انجام داد به طوری که شهر سنی‌نشین را به شهری اشغال شده توسط وابستگان رژیم تبدیل کردند و جدیدترین نمونه ی آن در غوطه ی دمشق در حال انجام است. ایجاد بحران بی‌آبی با انتقال آب به مناطق دیگر و همچنین بیکاری و فقر و تبعیض و استخدام نیروهای غیر بومی فقط بخش کوچکی از پروژه ی عرب‌زدایی از اهواز است.

اینجا سخن از نژاد پرستی نمی‌رود بلکه تقابل اهداف ولایت فقیه با وجود عرب در حوزه ی نفت خیز می‌باشد که سعی دارد این معضل را به نحوی معالجه کند چون سردمداران ایران از وزش بادهای اخیر طوفانی را پیش بینس کرده است که دودمانشان را به باد عدالت خواهد سپرد از این رو به فکر تجزیه ی انقلاب به بخش های کوچک و سرکوب آن به طور مجزا افتاده است و این طرح در تمام مناطق از جمله بلوچستان و کردستان اجرا خواهد شد. در نتیجه هوشیاری در مسیر حرکت های ستم ستیز لازمه ی همیشگی مسیر برای چیدن ثمره ی تلاش‌ها می‌باشد.

خونآبه ؟!

رحمت - افغانستان

کودک کشی، حادثه‌ای که در نوع خود نه تنها جدید نیست بلکه به صحنه‌ای روزانه در اخبار وطن اسلامی تبدیل شده است تا جایی که می توان به طور قطع گفت که تیتر اخبار هرگز بدون آن پخش نمی‌شود. یهود در فلسطین، مرزداران نصیری‌اش در شام، ولایت فقیه در عراق، دریافت کننده جایزه ی صلح جهانی در میانمار و امروز اشغالگران صلیبی و نوکرانش در افغانستان کودکانمان را می‌کشند به راستی چرا؟ کدامین وجدان بیدار و ضمیر آزاده‌ای که از بند رسانه ی و تاثیر آن خاج شده است تا بپرسد چرا کودکانمان را می‌کشید ؟ آیا واقعا تفسیر و تحلیل منطقی و روانشناختی برای این کشتار جنایت‌ها وجود دارد ؟ مهمتر از این امور چه کسی مسؤول است و باید پاسخگو باشد؟

چشم به کدام سازمان حقوق کودک و حقوق زن دوخته‌ایم تا حد و مرزی برای این کشتارهای بی رحمانه قرار دهد؟ وقتی جوانان امت از غم امتشان غافلند دیگران بر ما هرگز نگریند. در هفته ی گذشته طی حمله ی وحشیانه ی نیروهای مزدور و اشغالگر به مدرسه علوم دینی در قندوز افغانستان که بیش از ۱۵۰ کشته و زخمی برجای گذاشت در حالی که مدرسه ی علوم دینی جشنی برای تکریم و بزرگداشت کودکان حافظ قران ترتیب داده بود حکومت کابل با بی‌رحمی تمام ناجوانمردانه به این بی‌گناهان هجوم برده و آتش کینه و حقد خود را بر سرشان ریخت تا شاهد و گواهی تازه بر ماهیت جنگ‌های جاری در منطقه باشند.

برخورد رسانه‌ها با این جنایت و جنایت‌های مشابه بسیار سرد است ولی اگر یک سگ در لندن یا واشنگتن توسط یک مسلمان کشته می شد حتی رسانه‌های روستاهای دور افتاده هم آن را پوشش می‌دادند چرا که در عصری زندگی می‌کنیم که بیشتر انسانها اسیر محیط اطراف خود هستند تا جایی که حتی جرأت سوال کردن نمی‌کنند تا شاید متهم به تحجر و عقب ماندگی نشوند، به خود آمده و بپرس چرا با ما چنین می‌کنند؟! اینجاست که می‌پرسی خون ما آبه؟!. یهودی‌های افراطی بر تی‌شرت‌های خود می‌نویسند زن حامله ی مسلمان را بکش که با یک تیر دو نشان زده باشی!. ولی باید گفت که این افسار گسیختگی اشغالگران و منافقان خدمتکارشان فقط یک تفسیر دارد آن هم عجز و ناتوانیشان از متوقف کردن بیداری جهادی است که آنها را چنین درمانده کرده تا غیظ و کینه ی سیاه خود را بر سر زنان و کودکان ضعیف و بی‌دفاع خالی کنند. روزی نیست که اخبار رنج آور کشتار کودکان و مادرانمان را نخوانیم ولی تا کی به مشاهده سیل خونشان و سکوت اکتفا کنیم و اقدامی نکنیم. باید به خوبی بدانیم که اشغالگران صلیبی نه تنها سرزمینمان و ثروتهایش بلکه آن را بدون ما می خواهند تا کسی برای مقابله وجود نداشته باشد. شاید برای کسانی که نتوانسته‌اند به حقیقت کینه ی غرب صلیبی که پشت نقاب دموکراسی پنهان شده، پی نبرده‌اند باور اینکه آنها دانسته و عامدانه کودکان را هدف قرار می دهند سخت باشد ولی با یک جستجوی ساده در اینترنت صدها کلیپ و گزارش را خواهند دید که سربازان به هدف گیری عمدی زنان و کودکان و یا تجاوز به آنها اعتراف می‌کنند که می‌توان به یک استنتاج روانشناختی رسید که این رفتارهای بی‌رحمانه از گذشته ی پر از کینه نسبت مسلمین که توسط رسانه و کلیسا نشر می‌شود ناشی است به این معنا که این جنایت ها یک حادثه ی فردی و گذرا نیست که بتوان از کنار آن به راحتی گذشت بلکه یک پدیده ی در خور تامل و تحقیق و بررسی است. غرب صلیبی که برای کشتار کوچک و بزرگ سرخ پوستان که ساکنان اصلی و بومی آمریکا بودند ۵۰۰ نوع حمله ی میکروبیولوژی به کار برده است آیا به ما و کودکانمان رحم خواهد کرد؟

غرب صلیبی که هیروشیما و ناکازاکی را با بمب اتمی مورد حمله قرار داد که در نتیجه ی آن ۲۰۰ هزار انسان از جمله زن و بچه کشته شدند آیا از کشتن ۱۵۰ کودک حافظ قرآن شرمنده خواهد شد؟ اما خواری و خفت برای کسانی است که به زبان ما سخن گفته و لباس ما پوشیده و شاید به قبله ی ما نماز می‌خوانند ولی سنگ دفاع از غرب و دموکراسیش را به سینه می‌کوبند غافل از اینکه تمام فقر و بیدادگری در سرزمینمان همه از سر اشغالگری و زیاده خواهی غرب و نوکرانش می‌باشد.

علامه اقبال در وصف غرب صلیبی و نیرنگش چنین می‌سراید:
امتی بر امت دیگر چرد   دانه این می‌کارد، آن حاصل برد
از ضعیفان نان ربودن حکمت است   از تنشان جان ربودن حکمت است
شیوه تهذیب نو آدم دری است   پرده آدم دری سوداگری است



ماموستا عبدالرحمن فتاحی حفظه الله

اگر شبهه‌های مرجفین و مخذلین در میادین جهادی گذشته برای شما شک و شبهه‌ای ایجاد کرده‌اند اکنون در جهاد شام هیچ شک و گمانی نیست؛

زیرا طرفینِ درگیر کاملا مشخص هستند و علمای امت روشن‌گری‌های لازم را انجام داده‌اند.

اما سهم شما که خود را اهل‌سنت و جماعت می پنداری در این جنگ چه بوده است؟

آیا با دست، با مال، با زبان آنها را یاری نموده‌ای ؟ یا اینکه علیه اهل‌سنت عمل و به یاری‌شان پشت کرده‌ای ؟

گاز شیمیایی سارین

SARIN GAS



علایم

- سرگیجه
- دشواری تنفس
- حالت تهوع
- ضعف
- فلج ماهیچه‌ها
- تشنج
- استفراغ
- ایست قلبی

خصوصیات گاز:

سارین یک ترکیب شیمیایی فُسفُری مخرب سیستم اعصاب و ماده‌ای بسیار سمی و مرگبار با فرمول شیمیایی C4H10-FO2P است. شکل ظاهری این ترکیب، مایع بی‌رنگ شفاف و در شکل خالص بی بو است. سارین در طبقه‌بندی جنگ‌افزارهای شیمیایی در دسته عوامل عصبی و جزو عوامل سری G قرار می‌گیرد.

سارین هم از طریق تنفس و هم از راه پوست جذب بدن می‌شود. استنشاق بخار سارین در عرض چند دقیقه موجب ایجاد تلفات می شود. دوز متوسط کشنده سارین برای افرادی که مشغول کار عادی هستند ۷۰ میلی‌گرم در یک متر مکعب در دقیقه است. این مقدار برای کسانی که فعالیت بیشتری دارند و در نتیجه سریعتر تنفس می‌کنند کمتر است و به ۲۰ میلی‌گرم در یک متر مکعب هوا در دقیقه کاهش می‌یابد. علائم از دست دادن قابلیت رزمی بر اثر استنشاق سارین شامل به هم خوردگی معده، تهوع، اسهال و اشکال در دید و بلافاصله بعد از آن انقباض عضلانی و تشنج و احیاناً حالت فلج است. آن مقدار از سارین که کمتر از دوز لازم برای از بین بردن قابلیت رزمی باشد باعث کم شدن کارایی، سستی، گیجی، تندمزاجی، سردرد شدید، فقدان هماهنگی در اعضای بدن و تار دیدن اشیاء به علت ایجاد سوزش در حدقه چشم می‌شود.

پیشگیری:

رفتن به مناطق مرتفع و دوری از گودال‌ها و خندق‌ها، ترک مکان مورد حمله شیمیایی قرار گرفته و عدم حمل وسایل محل حادثه، خارج کردن لباس شخص مصدوم و داخل کیسه گذاشتن، شستن تن فرد مصدوم با آب و رساندن سریع مصدوم به یکی از نزدیکترین بیمارستان

هفته نامه رحمت
اینفوگرافیک
فروردین ۱۳۹۷ هـ.ش